

متن کامل سخنرانی‌های سمینار «کارنامه ساواک: واکاوی بر پایه اسناد» - بخش چهارم

ساواک در گام آخر

همایش «کارنامه ساواک: واکاوی بر پایه اسناد»، هم‌زمان با بزرگداشت چهل و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، و به‌منظور معرفی و بررسی اسناد فعالیت‌های ساواک، سه شنبه ۱۷ بهمن ماه ۱۴۰۲ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار شد.

در این همایش یک روزه قاسم تبریزی پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی و موزه عبرت در خصوص «عملکرد اداره کل سوم ساواک»، محمدتقی تقی‌پور نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر درباره «مناسبات امنیتی حکومت پهلوی و رژیم صهیونیستی»، مصطفی جوان پژوهشگر تاریخ معاصر درباره «نقش و عملکرد ارتشبد حسین فردوست در دفتر ویژه اطلاعات» و نیز شاداب عسگری نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر و دفاع مقدس در خصوص «ساواک در گام آخر» مطالبی ارائه دادند.

با عنایت به اهمیت موضوع، متن کامل سخنرانی‌ها به تناوب از پایگاه اطلاع رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، منتشر خواهد شد.

متن زیر، سخنرانی شاداب عسگری با موضوع «ساواک در گام آخر» است.

بسم‌الله الرحمن الرحيم

یکی از موضوعاتی که به نظر می‌رسید در بررسی تاریخ انقلاب اسلامی تمام‌شده فرض کرده‌ایم بحث انحلال ساواک است. حالا چرا این‌طور به نظر می‌رسد؟ چون انحلال ساواک در تاریخ ۱۷ بهمن اتفاق می‌افتد، ۲۲ بهمن هم انقلاب پیروز می‌شود. در نتیجه دیگر موضوعیتی نداشت که حالا برویم در رابطه با انحلال ساواک و زوایای مختلف آن کار بکنیم. من آمدم روی این موضوع کار کردم. بعد از فاجعه ۱۹ دی و شهید و مجروح شدن تعدادی از طلاب در قم به این نتیجه رسیدند که به اصطلاح روند آخرین حرکت علیه رژیم پهلوی شروع شده است و از اصلی‌ترین خواسته‌هایی هم که در آن مقطع مطرح می‌شد یکی‌اش انحلال ساواک بود؛ انحلال ساواک تقریباً جزء خواسته‌های همه آقایان بود.

این انحلال ساواک در برنامه‌های شریف‌امامی هم طرح شد ولی شاه نپذیرفت. بعد از هاری آمد و سکت کرد، شاه به دنبال یک نخست‌وزیر می‌گشت، با آقای صدیقی، بقایی، سنجابی این‌ها صحبت کرد تا نهایتاً نوبت به بختیار رسید. بختیار وقتی اولین صحبت با او شد دوازده را مأمور کرد که بروند به اصطلاح فصل مشترک خواسته‌های تمام احزاب و گروه‌ها را جمع بکنند. رفتند جمع کردند به هفت مورد رسیدند که این هفت مورد اولی‌اش رفتن شاه از کشور و حالا در ادامه‌اش اگر

بازگشت باید سلطنت بکند و نه حکومت، دومی‌اش انحلال ساواک بود. این خب مطلبی بود که همه گروه‌ها آن را مطرح می‌کردند.

بختیار آن موارد را به شاه داد. هفت مورد بود که عرض کردم. اولی رفتن شاه بود، دومی‌اش انحلال ساواک. در ۲۰ دی‌ماه شاه پذیرفت. در ۲۰ دی‌ماه برنامه‌های خودش را به مجلسین ارائه کرد که هفته برنامه بود این دفعه انحلال ساواک در رأس هفته برنامه بود. خب ۲۶ دی‌ماه مجلسین برنامه‌هایش را پذیرفتند به او رأی اعتماد دادند و ایشان به‌عنوان نخست‌وزیر تعیین شد، شاه هم رفت. حالا یک دو تا نکته جالب وجود دارد یکی‌اش این است که شاه در فرودگاه ماند تا مطمئن بشود رأی اعتماد می‌دهند؛ ولی آیا مثلاً امکان داشت رأی اعتماد ندهند. چمدان‌هایش را بسته، هواپیمایش را سوار شده منتظر است رأی اعتماد بدهند، مشخص بود که رأی اعتماد داده می‌شود.

- مجری: البته انگار سران جبهه ملی مثل آقای دکتر صدیقی شرطشان بر این بود که حتماً شاه بماند؛ چون می‌گفتند اگر شاه برود دیگر ممکن است ارتش کودتا کند و سرپیچی کند از دولت.

- عسگری: نه من اتفاقاً برعکسش را در اسناد پیدا کردم: آنها می‌گفتند که با وجود حضور شاه در تهران حتماً ارتش یک حرکتی می‌کند و این درست بود و آنها می‌گفتند حداقلش این است که شاه از حوزه مرکز خارج بشود حالا بیشتر نظرشان این بود که کیش برود یا جای دیگر نباشد که بخواهد دستور مستقیم بدهد؛ ولی بختیار دیگر با صراحت گفت: آقا شما باید بروی مرخصی و خود شاه هم می‌دانست و قرار هم بر این نبود که دیگر شاه برگردد. آن برگشتی که بحث سلطنت بود نه حکومت قرار بود فرح به‌عنوان نایب‌السلطنه بیاید و بعدازاین که رضا پهلوی سنش به آن حدنصاب رسید به‌عنوان به‌اصطلاح پادشاه مشغول به کار شود. بختیار در ۴ بهمن لایحه انحلال ساواک را به مجلسین داد و در ۱۷ بهمن مورد تصویب قرار گرفت این روز هم مصادف بود با تظاهرات میلیونی مردم بنابه‌درخواست حضرت امام (ره) در ارتباط با تأیید آقای بازرگان به نخست‌وزیری. خب حالا من اینجا یک دو تا سؤال مطرح کردم و بحث اصلی ما از همین‌جا شروع می‌شود. آیا به‌راستی ساواک قرار بود منحل بشود؟ آیا آمریکا و انگلیس و موساد با انحلال ساواک موافق بودند؟ بیست و پنج سال زحمت برایش کشیده بودند، کلی سرمایه‌گذاری کرده بودند، سخنرانان محترم فرمودند که ساواک چه جایگاهی داشت دیگر نه برای ایران، برای اسرائیل، برای آمریکا، برای انگلیس.

برای پاسخ به این سؤال‌ها بایستی ابعاد دیگر این موضوع را منظور نظر قرار بدهیم. یک عده هستند که می‌گویند مقدم^۱ گناهی نکرده بود بلکه داشت اوضاع را تلطیف می‌کرد؛ با بازرگان هم در ارتباط بود و یک سری مساعدت‌هایی کرد.

^۱ سپهبد ناصر مقدم، آخرین رئیس ساواک (خرداد ۱۳۵۷- بهمن ۱۳۵۷). وی در ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ به همراه ده تن دیگر از کارگزاران کشوری و لشکری رژیم پهلوی، که از جمله مهمترین آنان سرلشکر حسن پاکروان دومین رئیس ساواک بود، اعدام شد.

فراموش نکنیم که در ۲ شهریور ۱۳۵۷ شهید اندرزگو^۲ بنا به دستور مستقیم آقای مقدم به شهادت رسید و یک نکته‌ای که شاید دوستان کم‌تر اطلاع داشته باشند اینکه در طول سال ۱۳۵۷ بیش از ۱۶۹۹ نفر توسط ساواک دستگیر و به کمیته مشترک هم منتقل شدند. یکی از معروف‌ترین نمونه‌ها مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی بود که در خاطرات خودشان هم می‌گویند سال ۵۴ که من رفته بودم حسینی^۳ من را از پا آویزان کرده بود و شلاق می‌زد، سال ۵۷ که رفته بودم شکنجه‌گرها می‌آمدند پیش من می‌گفتند حضرت آیت‌الله می‌شود برای ما یک استخاره بکنی! رفتارها عوض شده بود ولی باز هم به کمیته مشترک منتقل شد. یک سری کارها را آقای مقدم انجام داد که خوب است بدانیم. مثلاً در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۴ آقای مقدم دستور می‌دهد تمامی اسناد مربوط به همکاری آمریکا، انگلیس و اسرائیل و همچنین اسامی همکاران اطلاعاتی ساواک نابود بشود. یعنی آن چیزی که ما به آن دسترسی پیدا کردیم این اسناد دیگر آن چیزهایی بود که حالا از نظر آنها در درجه دوم یا سوم اهمیت قرار داشت. در اواخر آذر ماه ۱۳۵۷ مقدم یک گزارشی را به شاه می‌دهد و با الفاظ خیلی بدی انقلابیون را از آنها یاد می‌کند که اینها عامل بیگانه هستند، اینها قرار است کاری مثل سال ۳۲ بکنند و امثالهم. این دیدگاه واقعی مقدم بوده است.

سپهبد مقدم که در آخر آذرماه چنین صحبت‌هایی را در گزارشش پیرامون انقلابیون و آن چیزی که به‌عنوان انقلاب داشته مطرح می‌شده و در صحنه بوده به شاه می‌دهد. این تحت شرایطی بود که ۱۴ آبان همان سال یعنی چند ماه، دو ماه سه ماه قبلش شاه گفت: من صدای انقلاب شما را شنیدم و من به‌عنوان پادشاه ایران، به‌عنوان پادشاه مشروطه و به‌عنوان یک فرد ایرانی نمی‌توانم انقلاب شما را تأیید نکنم. نامه دیگری را مقدم در تاریخ ۱۰ بهمن به مدیران ساواک می‌دهد و عنوان می‌کند که انگار یک عده‌ای از روی جُبن، جا زدند و ترسیدند و یک عده‌ای تظاهر به بیماری می‌کنند، یک عده‌ای مرخصی کوتاه مدت می‌کنند، مسئولین ساواک این افراد را جستجو بکنند، شناسایی بکنند ما تعیین تکلیف‌شان بکنیم و بقیه با روحیه و با قدرت به کار خودشان ادامه بدهند.

تاریخ را توجه بفرمایید: تاریخی که این بخشنامه صادر شده ۱۰ بهمن است. ۴ بهمن آقای بختیار لایحه انحلال ساواک را داده است. آخر چطور است لایحه انحلال ساواک را می‌دهند بعد رئیس ساواک شش روز بعدش می‌آید می‌گوید برای چه می‌ترسید؟! افراد ترسو را می‌گذاریم کنار و برخورد می‌کنم با آنها، با قوت به کار خودتان ادامه بدهید. ۱۴ بهمن سپهبد مقدم می‌رود در ساختمان مرکزی سلطنت آباد سابق یک سخنرانی می‌کند و آنجا می‌گوید برنامه بدهید. اداره دوم بلافاصله

^۲ سیدعلی اندرزگو (۱۳۵۷-۱۳۱۸) عضو جمعیت هیئت‌های مؤتلفه اسلامی و از روحانیون مبارز و مسلح علیه رژیم پهلوی. اندرزگو با ورود به شاخه نظامی هیئت‌های مؤتلفه به مبارزه و فعالیت برای سرنگونی رژیم پهلوی پرداخت و به همین علت با نام مستعار و به صورت مخفیانه زندگی می‌کرد. سرانجام ساواک در ۱۹ رمضان برابر با ۲ شهریور ۱۳۵۷ توانست او را به شهادت برساند.

^۳ محمدعلی شعبانی معروف به دکتر حسینی بازجو و شکنجه‌گر ساواک.

یک برنامه‌ای می‌دهد که کارکنان یک تعدادی بروند تیراندازی بکنند، یک تعدادی بروند ورزش بکنند، این طور بکنند آن طور بکنند تا روحیه حفظ بشود. اداره ششم هم باز یک برنامه دیگری می‌دهد. ببینید این برنامه‌هایی که دارند می‌دهند باز تاکید می‌کنم در حالی است که لایحه انحلال ساواک به مجلس ارائه شده بوده و حسب ظاهر قرار بوده که ساواک منحل بشود، پس دیگر ورزش پیدا بکنند و تمرین تیراندازی بکنند و نمی‌دانم روحیه خودشان را ببرند بالا موضوعیت نداشته است. در تاریخ ۱۸ بهمن یعنی یک روز بعد از این که لایحه تصویب می‌شود آقای مقدم ۱۵۰ میلیون تومان برای مخارج و هزینه‌های جاری درخواست می‌کند که مورد موافقت بختیار هم قرار می‌گیرد.

در بازجویی از ایشان سؤال می‌شود آقا تو این پول را برای چه می‌خواهی؟ می‌گوید حقوق عقب‌مانده کارکنان را در دی‌ماه می‌خواستم بدهم. در حالی که کارکنان ساواک حقوقشان طبق روال پرداخته می‌شده است؛ چون حقوق اینها را باید بانک سپه می‌داده بانک سپه هم که مدیرعاملش یک ارتشی بوده است. چنین مشکلی نداشت. پس این پول جای دیگری قرار بوده است هزینه بشود. در ۱۸ بهمن یک نواری منتشر می‌شود که مربوط به سخنرانی شاه بوده در آن خطاب به به اصطلاح تعدادی از امرای ارتش روی دو تا نکته خیلی تأکید می‌کند. می‌گوید این ساواک منحل می‌شود؛ ولی قرار است یک سازمان امنیت قوی‌تری به وجود بیاید. دومی‌اش هم این است که می‌گوید هر کسی که مرد و زن مخالفت کرد به شدت با آنها برخورد بکنید.

خب با بازخوانی لایحه ساواک می‌بینیم که یک ماده دارد و چهارتا تبصره. کل صحبت ما همین جاست: تبصره یک می‌گوید که اسناد به نخست‌وزیری منتقل بشوند و کارکنان در سایر اداره‌ها به کار گرفته شوند. ببینید لوایحی که دولت می‌دهد باید جامع، مانع و کامل باشد. اسناد به نخست‌وزیری منتقل بشوند؛ یعنی چه؟ نه جامع بود، نه مانع بود، نه کامل فقط اسناد را منتقل کنید. افراد هم به سایر ادارات منتقل بشوند خب قسمت اعظم این افراد که اصلاً ارتشی بودند برمی‌گشتند ارتش. تبصره دومش برمی‌گردد می‌گوید که کلیه جرائم ارتكابی کارمندان به دادگستری محول بشوند.

اگر به ماده سوم لایحه ایجاد ساواک مراجعه بکنید ساواک را یک سازمان هم‌تراز با سازمان‌های نظامی می‌گیرد مفروض می‌کند و می‌گوید تمام رشدشان، و تمام قوانینشان اینها عین ارتش است و اگر فردی در ساواک مرتکب جرمی بشود این فرد برابر با مقررات نظامی با او برخورد می‌شود. آقای بختیار وقتی که برمی‌گردد می‌گوید که اینها را اگر جرمی مرتکب شدند به دادگستری بدهید دارد صورت مسئله را پاک می‌کند. چون خیلی از موضوعاتی که در حوزه نظامی قابل تعریف است و مهم است؛ مثلاً بحث فرمان و سرپیچی از فرمان در دادگستری موضوعیت ندارد یا این که خیلی از بحث‌ها را اصلاً نمی‌شود در دادگستری مطرح کرد به دلیل حساسیت و موضوعیتی که داشت.

اما اصل و شاه‌بیت تبصره سومش است که صراحتاً برمی‌گردد در تبصره سوم می‌گوید که ظرف یک ماه پیشنهاد داده شود تا یک سازمان امنیت جدید ایجاد شود. جمع می‌کنم عرایضم را: قرار نبود ساواک منحل شود. ساواک داشت برای یک مدتی تعطیل می‌شد؛ داشتند یک رفتاری را می‌کردند مشابه آن رفتاری که سال ۱۳۳۴ وقتی که مردم علیه بهایی‌ها شوریدند عبدالکریم ایادی ۹ ماه رفت ایتالیا. خب بعدها ثابتی را هم فرستادند به آمریکا. بگذریم که اسناد و مدارکی هست و اعتراف بازجوها هست که گفتند که تا خود ۲۲ بهمن ثابتی تلفنی با ما هماهنگی داشت، دستوراتی می‌داد و برنامه‌گذاری می‌کرد و طرح ریزی می‌کرد دستور می‌داد اجرایش بکنیم. قرار بود که ایجاد فضایی بکنند، یک آرامش ایجاد بکنند، یک مقدار از آن حساسیت‌ها کم بکنند باور نمی‌کردند چهار پنج روز دیگر انقلاب پیروز می‌شود. می‌خواستند یک برای خودشان فرصتی بگیرند و بختیار برای خودش می‌خواست محبوبیتی کسب بکند، من ساواک را منحل کردم. ولی ما اسنادی داریم که روز ۲۳ بهمن یعنی شش روز پس از انحلال رسمی ساواک مکاتبات ساواک هنوز داشته انجام می‌شده است.

پیوست

متن لایحه انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) که شاپور بختیار در ۴ بهمن ۱۳۵۷ با قید یک فوریت به مجلس شورای ملی تقدیم کرد دارای یک ماده واحده و ۴ تبصره بدین شرح بود:

ماده واحده: از تاریخ تصویب این قانون، سازمان اطلاعات و امنیت کشور که به موجب قانون مصوب بیست و سوم اسفند ۱۳۳۵ و قانون اصلاحی آن مصوب چهارم دی ۱۳۳۷ تشکیل گردیده، منحل و قوانین مربوطه ملغی می‌گردد.

تبصره یک - تشکیلات و بودجه و امتیازات و اسناد و اموال سازمان اطلاعات و امنیت کشور به نخست‌وزیر تحویل می‌گردد که به دستور نخست‌وزیر برحسب اقتضا از کارمندان سازمان مذکور در سایر سازمان‌های دولتی استفاده گردد و یا به خدمت آنان طبق قوانین و مقررات مربوط به آن سازمان خاتمه داده شود.

^۴ سرلشکر عبدالکریم ایادی (۱۳۵۹-۱۲۸۶)، پزشک و دوست نزدیک محمدرضا پهلوی، در خانواده‌ای بهایی در شیراز متولد شد.

تبصره دو - با الغای قانون مربوط به تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور، رسیدگی به کلیه جرایم ارتكابی کارمندان سازمان مذکور به وزارت دادگستری محول می‌گردد که بر حسب مورد در مراجع قانونی مربوطه مورد تعقیب قرار گیرند و چنانچه طبق مقررات قانون قبلی پرونده‌ای از این حیث در دادسراهای نظامی تشکیل شده باشد، در هر مرحله از رسیدگی باشد، می‌بایستی با صدور قرار عدم صلاحیت به دادگستری ارسال شود.

تبصره سه - دولت موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون، لایحه‌ای در مورد تاسیس و تشکیل مرکز اطلاعات ملی نوینی که منحصر در خدمت استقلال و حفظ و امنیت داخلی و خارجی کشور باشد، تهیه و برای تصویب به مجلسین تقدیم نماید.

تبصره چهار - از تاریخ تصویب این قانون، کلیه وظایف و تکالیف سازمان اطلاعات و امنیت کشور از حیثی که ضابط نظامی محسوب‌اند، به عهده مامورین نظامی و ژاندارمری و شهربانی واگذار و هرگونه وظیفه دیگری در زمینه جمع‌آوری اطلاعات که به عهده سازمان مذکور می‌باشد، به تشخیص نخست‌وزیر به سایر مراجع مملکتی محول می‌گردد.^۵

^۵<https://irdc.ir/fa/news/8706/>